



فارابی پژوهان غیرایرانی



محسن مهدی قله فارابی پژوهی عربی / کاظم جهاد، ترجمه علی محمدی



فارابی پژوهان غیرایرانی

اشاره:

به دلیل کمبود زمان، تنها به معرفی برخی از فارابی پژوهان پرداخته شد.

محمود زراعت پیشه،
سید جواد حسینی

۱. هنری کربن^۱

هنری کربن (۱۴ آوریل ۱۹۰۳ - ۷ اکتبر ۱۹۷۸) یک فیلسوف، متخصص الهیات و استاد فلسفه اسلامی دانشگاه

«سوربن^۲» پاریس در فرانسه بود.

کربن در آوریل ۱۹۰۳ متولد شد. در کودکی شوق فراوان به موسیقی نشان می‌داد. علیرغم این که هنگام تولد «پروتستان» بود در مدارس کاتولیک درس می‌خواند و در ۱۹ سالگی موفق به اخذ مدرک «فلسفه مذهبی» از موسسه کاتولیک پاریس گشت. سه سال بعد لیسانس فلسفه خود را از دانشگاه بزرگ «تامیست اتین گیلسن^۳» دریافت نمود. در ۱۹۲۸ با «لوئیس مساین^۴» رئیس مقتدر بخش علوم اسلامی سوربن آشنا شد و او برای اولین بار، آثار سهروردی، عارف و فیلسوف پارسی قرن ۱۲ را به کربن معرفی نمود که تأثیر عمیقی بر زندگی آتی وی داشت. از آن پس تمایل شخصی ویژه‌ای به شناخت فرهنگ‌هایی که هم ریشه در یونان باستان و هم در ادیان الهی «خاور نزدیک» داشتند از جمله آئین کهن زرتشت پیدا کرد. سال‌ها بعد، کربن گفت «با دیدن سهروردی، خط سیر معنوی من برای گذر از این دنیا شکل گرفت.

فلسفه افلاطونی در قالب آئین کهن زرتشت پارسی، روشنگر راهی بود که به دنبالش می‌گشتم». کربن عامل جهت‌گیری جدیدی در دروس فلسفه اسلامی بود. در کتاب خود به نام تاریخ فلسفه اسلامی^۵ (۱۹۶۴) با این ایده رایج که علم فلسفه در بین مسلمانان به «ابن‌رشد» ختم می‌شود مقابله نموده اظهار کرد که یک فعالیت فلسفی زنده و ممتد در جهان اسلامی شرق به ویژه ایران وجود داشته که تا امروز هم ادامه دارد.

هانری کربن



کار و زندگی

زندگی و حرفه فلسفی کربن را می‌توان به سه مرحله تقسیم نمود: اولین مرحله شامل دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ است که او درگیر تعلیم و تعلم فلسفه غرب بود. دوره دوم سال‌های بین ۱۹۳۹ و ۱۹۴۶ است که در استامبول درباره شهاب‌الدین سهروردی و «مکتب اشراق» تعلیم می‌دید. آخرین دوره که از ۱۹۴۶ آغاز و تا آخر عمرش ادامه می‌یابد را به بازشناساندن فلسفه شرقی و اسلامی می‌پردازد.

اما تأثیر کاوش‌های معنوی او در سراسر گستره عرفان اسلامی و فلسفه قرون وسطایی غرب دیده می‌شود. طی دهه ۱۹۲۰ و اوایل دهه ۱۹۳۰ مطالعاتی را دنبال نمود که وی را به عنوان یک متخصص الهیات پروتستان هم معرفی می‌کرد. در دوران بلوغ، کربن، خود را مسیحی پروتستان معرفی می‌نمود. او ارتباط عمیقی با آئین الهی آلمان داشت و جلسات درس و سخنرانی درباره لوتر^۶، کیرکگور^۷ و هامان^۸ ارائه می‌نمود. او نخستین کسی بود که کارهای قدیمی «کارل بارت»^۹ را به فرانسه ترجمه کرد.

در ۱۹۳۰ یک آشنایی دیگر، نقطه عطف دومی در سلوک معنوی او گشت و آن مطالعه کار بنیادین «مارتین هایدگر»^{۱۰} درباره پدیده‌شناسی^{۱۱} به نام «وجود و زمان»^{۱۲} بود. توجه به این امر که آثار کاملاً آلمانی کربن، سراسر تحت تأثیر شروع عربی است، دیدگاهی منحصر به فرد از این فیلسوف به حق کاتولیک به ما ارائه می‌دهد.^{۱۳} کربن در ۱۹۳۳ با «استلا لینهارت»^{۱۴} ازدواج کرد. در ۱۹۳۹ به استامبول رفت تا نسخ خطی را برای تدوین یک مجموعه مهم از آثار سهروردی گردآوری نماید و تا آخر جنگ همانجا ماند.

در ۱۹۴۵ خانواده کربن برای اولین بار به تهران آمدند و او استاد دانشگاه تهران شد. کربن به ایران مثل خانه دوم خود نگریسته، به نمادها و شخصیت‌های پارسی و فضای معنوی آن علاقمند گردید. در ژولای ۱۹۴۶ به پاریس بازگشتند. در ۱۹۴۹ برای اولین بار در گردهمایی سالانه «ارانوز» در آسکونای سوئیس^{۱۵} حضور یافت. در آنجا به عنوان چهره اصلی در کنار دیگر شخصیت‌هایی چون کارل جانگ^{۱۶}، میرسی الیاد^{۱۷}، گرشام شولم^{۱۸}، آدولف پورتمن^{۱۹} و بسیاری مشاهیر دیگر مطرح گشت. در ۱۹۵۴ کرسی دانشگاه لوئیس مسیگون^{۲۰} را در بخش اسلام و مذاهب عربی به دست آورد. از دهه ۱۹۵۰ به بعد، پاییز را در تهران، زمستان را در پاریس و بهار را در آسکونا می‌گذراند.

سه اثر عمده‌ای که نام او را در دنیای انگلیسی زبان ماندگار کرد اولین بار در پاریس در دهه ۱۹۵۰ منتشر گشتند. ابن‌سینا و تشریح نظری^{۲۱}، تخیل خلاق در عرفان ابن‌عربی^{۲۲}، جسم روحانی و زمین سماوی^{۲۳}، اثر مهم بعدی او درباره عرفان ایران و آسیای مرکزی، با مقدمه «ضیا عنایت‌خان» با نام مرد روشنگر در تصوف ایرانی^{۲۴} به زبان انگلیسی منتشر گشت. مجموعه مهم دیگری از او که هنوز ترجمه نشده، اسلام ایرانی: جلوه‌های فلسفه روحانی^{۲۵} است. زندگی او صرف آموزش، نوشتن، سخنرانی و ویرایش دستنوشته‌های مهم ایرانی و عربی گردید. آثار منتشر شده از او بالغ بر ۲۰۰ ویرایش، ترجمه، کتاب و مقاله می‌گردد. آخرین مقاله خود را در ژوئن ۱۹۷۸ با نام «چشم‌های آتش: علم عرفان»^{۲۶} ارائه کرد. ۷ اکتبر همان سال در سن ۷۵ سالگی در زادگاه خود دیده از جهان فرو بست.

دیگر آثار

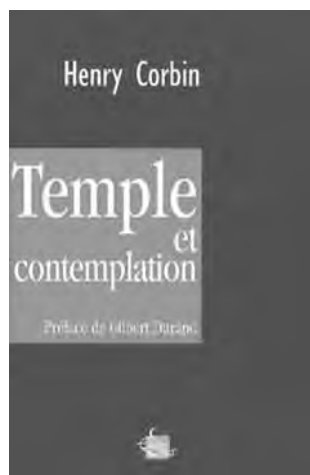
از دیگر آثار کربن می‌توان به کتاب تاریخ فلسفه اسلامی^{۲۷} (۱۹۹۳) اشاره کرد. او در این کتاب، نظریه فارابی را مبنی بر این که پس از مرگ، روح باقی می‌ماند و ذهن در آن به حیات خود ادامه می‌دهد، با نظریه «تو افلاطونی‌های اسماعیلی»^{۲۸} مقایسه می‌نماید که این دوره را دومین چرخه بزرگ حیات می‌دانند. در پاسخ به مناظره در مورد داشتن یا نداشتن خطمشی سیاسی فارابی هنری کربن که فارابی را یک شیعه پنهان^{۲۹} می‌داند، می‌گوید باید ایده‌های او را «فلسفه الهی» دانست نه سیاسی.

هر چند تالیفات کربن بشمار است اما از دیگر کتب وی می‌توان اینها را نام برد:

- زمان دوره ای و تصوف اسماعیلی (۱۹۸۳) (Cyclical Time & Ismaili Gnosis)

- معبد و تفکر (۱۹۸۶) (Temple and Contemplation)

- سوئدنبورگ و اسلام باطنی (۱۹۹۵) (Swedenborg and Esoteric Islam)



۲. مار ایمانوئل کاردینال دلی سوم^{۳۰}

پدر روحانی کلدانی‌های بابل و کشیش ارشد کلیسای کاتولیک کلدانی‌ها، و همچنین کلیسای ویژه کاتولیک‌های شرقی به نام «سوی جوریس» است.^{۳۱} او در ششم اکتبر ۱۹۲۷ در «تل کپه^{۳۲}» به دنیا آمد و در ۲۱ دسامبر سال ۱۹۵۲، کشیش شد. ده سال بعد در دسامبر ۱۹۶۲ در سن ۳۵ سالگی به سمت اسقفی منصوب شد. وی از سوم دسامبر سال ۲۰۰۳ پدر روحانی کلیسای کلدانی بوده است. او جایگزین «رافائل بیداوید اول^{۳۳}» شد. در ۲۴ نوامبر سال ۲۰۰۷ اسقف کاردینال گردید.

پیشوایی او در عراق، در دوره زمانی نسبتاً سختی فرا رسید. قبل از اینکه پدر روحانی شود در یک حمله به دلیل اصابت خرده شیشه‌ها از ناحیه صورت آسیب دید. از این جهت به مسائل امنیتی آنجا توجه زیادی داشت و علیرغم خوشبین بودن به انتخابات عراق، انتقادهایی در رابطه با قیام‌های ناگهانی و خشونت ضد مسیحیان، طی انتخابات، ابراز داشت. او تلاش‌هایی جهت؛ افزایش دلگرمی مردم و روحیه دادن به آنها، حفظ رابطه دوستانه با رهبران اسلامی، افزایش امنیت، و انجام کارهایی برای آزادی قربانیان دزدیده شده انجام داد.

حرفه

از زمان انتخاب وی به عنوان پدر روحانی در دسامبر ۲۰۰۳، مار ایمانوئل سوم همواره برای کلیسای کلدانی‌ها کار کرده است. در عراق، کلیسای کلدانی که یکی از بزرگترین اجتماعات مسیحی به شمار می‌رود شامل هشت حوزه اسقفی^{۳۴} است که در مجموع ۱۰۰ بخش کلیسایی^{۳۵} و حدود ۶۰۰،۰۰۰ نفر جمعیت را در بر می‌گیرد. هشت حوزه اسقفی هم در خارج عراق در کشورهایی چون ایران، ترکیه، سوریه، لبنان، مصر، اروپا، استرالیا، کانادا و ایالات متحده دارد. تخمین زده شده که جمعیت فرقه کلدانی در سراسر جهان بیش از یک و نیم میلیون نفر باشد.

مار ایمانوئل سوم به داشتن روحیه احترام و همکاری با رهبران دیگر کلیساها و دیگر ادیان، به ویژه مسلمین، شهرت دارد. او به عنوان یک پدر روحانی، نه فقط به کلیساهای کلدانی که در سراسر دنیا گسترده اند، بلکه به دیگر مسیحیان هم خدمت می‌کند، به ویژه اکنون که در شرایط سختی به سر می‌برند.

وی در ۴۲ سالگی، به عنوان اسقف، خدمات شایانی به کلیساهای کلدانی ارائه نمود، از جمله ساختن تعداد زیادی کلیسا در داخل و خارج عراق. همچنین دانشکده فلسفه و الهیات بابل را تاسیس و با دیرها و صومعه‌های کلدانی نیز همکاری داشت.

او سرپرست چند ژورنال و نشریه مذهبی کلدانی هم می‌باشد. او از لحاظ توان مدیریت و تعامل مناسب با مردم شهرت دارد.

۱۷ اکتبر ۲۰۰۷ پاپ بندیک شانزدهم^{۳۶} اعلام کرد که وی را به رتبه کاردینالی ارتقاء می‌دهد. او در ۲۴ نوامبر ۲۰۰۷ به مجلس سنای پاپ و متران‌ها در سنت پترز باسیلیکا^{۳۷} وارد شد. در این هنگام پاپ بندیک شانزدهم گفت که با کاردینال کردن مار ایمانوئل سوم تصمیم داشته صمیمت و نزدیکی خود را به مردم عراق نشان دهد.



امانوئل کاردینال دلی سوم

مدارک تحصیلی

- کارشناس ارشد فلسفه، دانشگاه اسقفی اربانیانا^{۳۸}، پایان نامه درباره ابونصر فارابی
- دکترای کلام الهی، دانشگاه اسقفی لاترن^{۳۹}
- دکترای فقه مسیحی، دانشگاه اسقفی لاترن^{۴۰}

زبان‌ها

مار ایمانوئل دلی سوم به زبان‌های آشوری، ارمنی جدید، سریانی، عربی، فرانسه، ایتالیایی، لاتین و انگلیسی به روانی سخن می‌گوید.

۳. چارلز باترورث^{۴۱}

دکتر چارلز باترورث (متولد ۱۹۳۸) یک فیلسوف برجسته از مکتب اشتراوسی است که اکنون به عنوان پروفیسور فلسفه سیاسی در دانشگاه ماریلند، دانشکده پارک مشغول فعالیت می‌باشد. باترورث مترجم و ویراستار کتاب‌های زیادی است. از جمله:



چارلز باترورث

- خیال واهی رهرو منزوی به نویسندگی روسو

- نوشته‌های اخلاقی

- نامه به «د.آلمبرت» و نوشته‌هایی برای تأثیر

- فلسفه افلاطون و ارسطو نوشته فارابی

- یادداشت‌های سیاسی نوشته فارابی: پند و اندرزهای منتخب و دیگر متون

- سه تفسیر کوتاه نوشته ایوروس

باترورث لیسانس خود را از دانشگاه ایالتی میشیگان گرفت. کارشناسی ارشد و دکترای علوم سیاسی خود را از دانشگاه شیکاگو گرفت و در آنجا به آموزش فلسفه سیاسی و تمدن عربی و اسلامی پرداخت. دوره‌هایی را هم در دانشگاه «عین الشمس» مصر^{۴۲}، بوردیوکس^{۴۳} و نانسی فرانسه^{۴۴} گذراند (وی از دانشگاه نانسی مدرک دکترای فلسفه گرفت). دکتر باترورث پیش از پیوستن به هیئت علمی دانشگاه مریلند، در دانشگاه شیکاگو و دانشگاه شهر فدرال^{۴۵} (اکنون به نام دانشگاه ناحیه کلمبیا^{۴۶} خوانده می‌شود) تدریس می‌نمود. مدتی هم استاد دانشکده سنت جانز، دانشگاه جورج تاون^{۴۷}، دانشگاه هاروارد، دانشگاه مارمارا^{۴۸}، دانشگاه بوردیوکس^{۴۹}، دانشگاه گرنوبل^{۵۰}، دانشگاه پاریس (سوربن)^{۵۱}، دانشگاه پاریس (نانتز)^{۵۲} و دانشگاه ایکول پراتیک^{۵۳} بود.

چند سال ناظر پروژه تحقیقی «منطق سده میانه اسلام» با پشتیبانی موسسه اسمیتسونیان^{۵۴} در قاهره بود. همچنین ناظر پروژه دیگری به نام «منطق سده میانه اسلام» با پشتیبانی «مؤسسه ملی اوقاف و انسان دوستی»^{۵۵} بود و یک سمینار دو هفته‌ای را هم در سالزبورگ^{۵۶} با عنوان «اشتراکات سنن فرهنگی: یهودیت، مسیحیت و اسلام»^{۵۷} سازماندهی کرد. از ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۳ عضو «مرکز بین المللی دانش پژوهان وودرو ویلسون»^{۵۸} در واشنگتن دی.سی. بود که در این زمان یک پروژه تحقیقی درباره «وحی و فلسفه سیاسی» به انجام رساند. از اکتبر ۱۹۹۹ تا مارس ۲۰۰۰ یک «بوسیه تحقیق و تدریس فولبرایت»^{۵۹} در دانشگاه فردریک الکساندر^{۶۰} در شهر ارلانگن آلمان^{۶۱} به او اهدا گشت و از ماه می تا آگوست ۲۰۰۰ در همان دانشگاه او را به صورت استاد تحت قانون «تبادل کادر علمی با آلمان»^{۶۲} به کار گرفتند. همچنین از ژوئن تا می ۲۰۰۰ یک سری سخنرانی هم با عنوان «فلسفه سیاسی در اسلام» در موسسه «مطالعات عربی»^{۶۳} پاریس داشت. در دانشگاه مریلند، در سال تحصیلی ۹۱-۱۹۹۰ به عنوان «محقق ممتاز»^{۶۴} شناخته شد. در سال ۰۲-۲۰۰۱ نشان «مدرس و مربی نمونه»^{۶۵} را از دانشکده علوم اجتماعی و رفتاری^{۶۶} دریافت کرد.

۴. یان ریچارد نتون^{۶۷}

پرفسور یان ریچارد نتون استاد بخش مطالعات عربی و خاورمیانه دانشکده زبان‌ها و فرهنگ‌های مدرن از دانشگاه لیدز انگلستان است. او در ۱۹۴۸ در سنگاپور از والدین انگلیسی متولد گشت. لیسانس زبان عربی را دانشگاه SOAS لندن در ۱۹۷۲ گرفت و دکترای علوم اسلامی و عربی را نیز در ۱۹۷۶ از دانشگاه آگزتر^{۶۸} انگلیس دریافت نمود. او متخصص فلسفه کهن اسلامی است. از ۱۹۷۷ تا ۱۹۹۵ در دانشگاه آگزتر تدریس نموده، هفت و نیم سال ریاست بخش علوم اسلامی و خاورمیانه‌ای را بر عهده داشت و بعد هم به تالیف آثاری در زمینه تمدن و افکار اسلامی و عربی پرداخت.

در سپتامبر ۱۹۹۵ اولین استاد علوم عربی دانشگاه لیدز و بعد هم رئیس بخش مطالعات عربی و خاورمیانه‌ای همان دانشگاه گردید. وی همچنین از ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۲ رئیس مرکز علوم قرون وسطایی دانشگاه لیدز بود.

دروسی که تدریس می‌کند

۱. مبانی تمدن اسلامی و عربی
۲. مبانی هنر و معماری اسلامی و عربی
۳. تحولات معنوی افکار عربی و اسلامی
۴. متون پیشرفته عربی و اسلامی

زمینه‌های پژوهش

فلسفه و معارف اسلامی، تصوف، مهاجرین قرون وسطایی عرب، کتابشناسی عربی و اسلامی، متن شناسی و نمادشناسی تطبیقی، مطالعات عمومی اسلامی.

تالیفات

وی نویسنده یا ویراستار سیزده کتاب در زمینه‌های فوق الذکر می باشد. از آخرین آثار پرفسور نتون تالیف کتاب



مناسک صوفیان^{۶۸} و ویرایش کتاب جهان موازی^{۶۹} اثر ریچموند کرزون^{۷۰} است. او هم اکنون مشغول ویرایش مجلد اسلام برای مجموعه دائرةالمعارف‌های مذهبی روتلج کرزون^{۷۱} و نوشتن یک مونوگرافی درباره اسلام مدرن است. از دیگر آثار وی می‌توان به کتاب فارابی و مکتب او^{۷۲} و همچنین مقاله «نقد ادبیات کلاسیک و قرون وسطایی از دید فارابی»^{۷۳} اشاره کرد.^{۷۵}

دیگر فعالیت‌ها

۱. مدرس مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در ۹ دانشگاه انگلیس (۱۹۸۲-۲۰۰۳)
۲. ویراستار «ژورنال بریتانیایی علوم اسلامی و خاورمیانه ای»^{۷۶}
۳. سرپرست ویراستاران «تمدن و فرهنگ خاورمیانه‌ای کرزون»^{۷۷}
۴. سرپرست ویراستاران «مجموعه تصوف کرزون»^{۷۸}
۵. استاد راهنمای بیش از ۶۰ پایان نامه کارشناسی ارشد و دکترا در دانشگاه‌های مختلف انگلستان.

۵. رادولف د. ارلانگر^{۷۹}

بارون رادولف د. ارلانگر (تولد: بولون بلانکورت^{۸۰} فرانسه، ۷ ژوئن ۱۸۷۲، وفات: ۲۹ اکتبر ۱۹۳۲ در تونس) یک نقاش و موسیقیدان فرانسوی و متخصص موسیقی عربی بود. وی از یک خانواده ی بانکدار ثروتمند بود و از سال ۱۹۱۰ تا زمان مرگش در سال ۱۹۳۲ در شهر «سیدی بو سد»^{۸۱} در شمال تونس سکونت گزید. او تحصیلات خود را در پاریس و لندن گذراند.

وی در سازماندهی کنفرانس موسیقی عربی در قاهره در سال ۱۹۳۲ همکاری نمود که ایده آن را هم خودش به شاه فواد پادشاه مصر داده بود. با وجود این که به علت بیماری نتوانست در کنفرانس شرکت نماید و پس از آن هم درگذشت، یک گروه را برای اجرای موسیقی از تونس به کنفرانس قاهره فرستاد. او همچنین به خاطر کتاب شش جلدی‌اش درباره تاریخ موسیقی عربی شهرت دارد.

کاخ او در «سیدی بو سد» در شمال تونس که خودش نامش را «الجمه الزهرا» گذاشته بود (و گاهی هم «نجمه الزهره» خوانده می‌شود) بین سال‌های ۱۹۰۹ تا ۱۹۲۱ ساخته شد. در ۱۹۹۱ توسط دولت تونس، تصاحب و ساختمان آن اکنون مرکز موسیقی عربی و مدیترانه‌ای می‌باشد. او در دهه ۱۹۲۰ به احیای ژانر موسیقی ملقب به «مالوف» کمک نمود. شش جلد کتاب موسیقی عربی نوشته بارون رادولف د. ارلانگر، اخیراً با مطالبی جدید توسط ناشر اصلی «پل گوتتر»^{۸۲} و با همکاری موسسه ی جهانی عرب در پاریس تجدید چاپ شد که اثری ماندگار در جهت احیای تأثیر و شیوه ی موسیقی عربی جدید خواهد بود.

وی ویرایش و ترجمه کتاب‌ها و آثار عربی مختلفی را در رابطه با موسیقی قرن ۹ به بعد به منظور رسیدن به شرحی جامع از سنت، تئوری و شیوه ی جدید موسیقی عربی به عهده گرفت. بارون فقط تا سال ۱۹۳۰، زمان انتشار اولین کتاب از پروژه چند جلدیش در قید حیات بود. پنج جلد دیگر که در فاصله زمانی سی سال بعد به چاپ رسید، اثر دستیار بارون، مانوئی اسنوسی^{۸۳} (۱۹۶۶) بوده، و البته نامشخص است که چه مقدار از کارهایی که در جلد‌های اخیر وجود دارد متعلق به بارون و چه میزان متعلق به اسنوسی است.

همان طور که پوشه^{۸۴}، محقق و موسیقیدان فرانسوی ذکر میکنند، این حقیقت که تنها اولین جلد از کارهای د. ارلانگر تا زمان مرگش در سال ۱۹۳۲ به چاپ رسیده بود، همراه با مشکل فهمیدن اینکه در میان تیم همکاران بارون چه کسی مسئول جلد‌های بعدی بوده، دانستن این مسئله را که هدف د. ارلانگر از این کار چه بوده دشوار میکند. با این وجود از همان ابتدا، کار د. ارلانگر دو هدف را دنبال می‌کرد: اول بررسی و ضبط قطعات جدید اجرای موسیقی عربی، و دوم نوسازی سنت‌های موسیقی عربی از طریق قرار دادن متن‌های معتبر آثار این موسیقی در دسترس مفسران و همچنین تهیه نسخه فرانسوی آنها.

طبق نظر پوشه، آثار کهن موسیقی عربی که د. ارلانگر ویرایش و ترجمه کرد، برای نشان دادن این بود که «موسیقی دستگاهی منسجم برای تبلور اندیشه‌هاست» و به همین علت نیز متفکران مهمی چون فارابی و شاگردش ابن سینا به تئوری پردازی در زمینه موسیقی پرداختند. مثلاً توضیح اینکه نت‌ها و فاصله‌های مختلف چگونه در گام‌ها سازمان یافته‌اند و همچنین بیان ژانرهای مختلف موسیقی.

فارابی در آغاز قرن ۹ در رساله عمومی موسیقی (کتاب بزرگ موسیقی^{۸۵}) خطاب به خلیفه عباسی اینچنین نوشت: «اظهار تمایل به دانستن درباره هنر موسیقی کردید. همانطور که پیشینیان هم به آن توجه داشتند، با این وجود در آثار موسیقی که من تا به حال مطالعه کرده ام، بخش‌های خاصی از این هنر را مغفول‌یافته ام و سخنان نویسندگان عاری از



شفافیت و انسجام است، خصوصاً در مسائل نظری. البته کسی نمی‌تواند تقصیر را به گردن نویسندگان قدیمی بیندازد. تنها می‌توان گفت که نوشته‌های آنها در رابطه با موسیقی باید از بین رفته باشد و یا به صورت ناقص به عربی ترجمه شده باشند. در این راستا معتقدم می‌توانم با نوشتن این کتاب، تقاضای شما را اجابت کنم».

اولین مقاله د. ارلانگر در رابطه با موسیقی عربی در نشریات تونس در سال ۱۹۱۷ منتشر شد، اولین کارهای ترجمه در سال ۱۹۲۲ آغاز گشت. کار بعدی درباره موسیقی معاصر تونس از طریق سبک شناسی آثار ۱۹۱۷ الصدیق و الرزقی به نام «الآغانی التونسیه» (آوازهای تونس) بود.

در سال ۱۹۲۳ بارون در نامه‌ای خطاب به شرق شناس فرانسوی، کارا دو واکس^{۸۶}، گفت که پروژه مجموعه کتاب‌هایش در زمینه موسیقی عربی در حال انجام شدن است که شامل ترجمه آثار کهن موسیقی عرب خواهد بود، به ویژه رساله‌های فارابی، لدهیقی، صفی الدین و دیگران که چهار جلد اول مجموعه را تشکیل خواهند داد.

پوشه معتقد است که تلاش بارون د. ارلانگر در آماده شدن برای کنفرانس موسیقی عربی قاهره موجب شد او برنامه‌ای را برای اضافه کردن دو جلد دیگر در زمینه موسیقی عربی معاصر طرح ریزی کند.

در این زمان طبیعی است که د. ارلانگر، که به واسطه آثارش درباره موسیقی عربی مغرب بسیار مشهور شده بود، می‌بایست برای هدایت کمیته تشکیل کنفرانس دعوت می‌شد. او در دیدار از مصر آهنگساز مصری-ترکی، علی درویش را ملاقات کرده و او را به سیدی‌بو دعوت کرد تا در به ثمر رساندن کتاب موسیقی عربی همکاری کند. درویش به طور جدی روی مشکلی که ذهن بارون را به خود مشغول کرده بود کار کرد: این که چگونه نت نویسی موسیقی عربی را با فرم این موسیقی سازگار کند؟

شش جلد آثار د. ارلانگر شامل مطالبی می‌شد که در ترجمه‌های دیگر موجود نبود، و به همین دلیل ناشران او تصمیم گرفتند کتاب‌هایش را چندبار تجدید چاپ کنند. محتویات جلدها شامل: جلد ۱: فارابی، کتاب بزرگ موسیقی. جلد ۲: ابن سینا، کتاب الشفا (ریاضیات: بخش موسیقی). جلد ۳: صفی الدین: کتاب العارفیه و کتاب الادوار. جلد ۴: رساله‌های ناشناس قرن ۱۵ اهدا شده به سلطان محمود دوم، کتاب لدهیقی، کتاب الفاطیبه. جلد ۵ و ۶: بررسی موسیقی عربی معاصر.

پوشه اظهار می‌کند که در سال ۱۹۳۸، زمانی که چهارمین جلد از کتاب‌ها منتشر شد، هیچ کدام از کارهایی که در آن موجود بود در زبان عربی قابل دسترسی نبود و رساله‌ای که در جلد پنج قرار داشت هنوز در هیچ فرمی به جز آنچه در ترجمه فرانسوی د. ارلانگر وجود داشت منتشر نشده است.

پوشه می‌نویسد حاصل ماندگار زندگی دارلانگر برای دانشجویان فرانسوی زبان موسیقی عربی، منبعی بی‌نظیر را فراهم نمود که مدت‌های مدید مورد نیاز اما غیرقابل دسترس بود. این حرکت غیر معمول و ماندگار، بسیار تحسین برانگیز است. این که کسی از ثروت قابل توجه خود برای پیشرفت علم موسیقی عربی استفاده کند.

۶. لئو اشتراوس^{۸۷}

لئو اشتراوس (۲۰ سپتامبر ۱۸۹۹ – ۱۸ اکتبر ۱۹۷۳) یک فیلسوف سیاسی یهودی آمریکایی بود که در آلمان متولد شده و متخصص علوم فلسفه سیاسی کلاسیک بود. بیشتر زندگی کاری خود را به عنوان استاد علوم سیاسی دانشگاه شیکاگو گذراند. در آنجا به چند نسل از دانشجویان تدریس کرد و پانزده جلد کتاب منتشر نمود. پس از مرگش او را به عنوان یکی از «پدران محافظه کاری نوین^{۸۸}» در آمریکا خواندند.

زندگی‌نامه

لئو اشتراوس ۲۰ سپتامبر ۱۸۹۹ در شهر کوچک «کرچاین» در ایالت پروسیا از امپراطوری آلمان^{۸۹} متولد گشت. پدر و مادرش «هوگو» و «جنی» اشتراوس^{۹۰} بودند. طبق سرگذشتی که پس از مرگش «آلن بلوم» در کتاب تئوری سیاسی^{۹۱} می‌نویسد اشتراوس «به عنوان یک یهودی ارتدوکس تربیت شد» اما در عمل به نظر نمی‌رسید خانواده اش پایبندی کامل به آئین ارتدوکس داشته باشند.

در کتاب حساب پس دادن^{۹۲} اشتراوس ذکر می‌کند که از «خانواده یهودی محافظه کار و حتی ارتودوکس» می‌باشد، خانواده‌ای که در عین حال آگاهی و پایبندی کمی نسبت به قواعد و رسوم یهودیت داشته‌اند. پدر و عمویش مانند پدر خود، به حرفه کشاورزی و دامداری مشغول بوده‌اند.

پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی در مدرسه فولکس^{۹۳} و مدرسه خصوصی پروتستان رکتوراتس^{۹۴} در شهر کرچاین، لئو اشتراوس در ۱۹۱۲ در دانشکده مشهور گیمناسیوم فیلیپینوم^{۹۵} (زیر نظر دانشگاه ماربورگ)^{۹۶} در نزدیکی شهر ماربورگ ثبت نام کرد (که شخصیت‌هایی چون یوهان آلتوزیوس و کارل فردریک^{۹۷} هم از آنجا فارغ التحصیل شده بودند) و ۱۹۱۷



فارغ التحصیل گشت. در این مدت با «هامبورگ کانتور اشتراوس»^{۹۸} (بی ارتباط) آشنا شد. مسکن کانتور، محل جلسات پیروان فیلسوف «نئوکانتی» به نام «هرمن کوهن»^{۹۹} بود. اشتراوس طی جنگ جهانی اول از ۵ جولای ۱۹۱۷ تا دسامبر ۱۹۱۸ در خدمت ارتش آلمان بود.

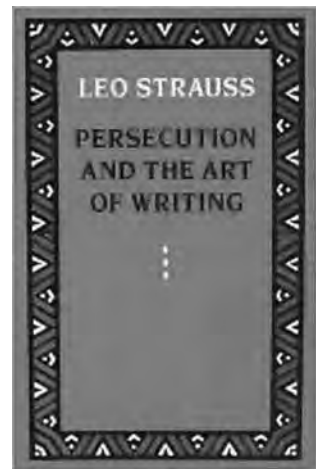
متعاقباً در دانشگاه هامبورگ ثبت نام کرد و دکترای خود را در ۱۹۲۱ از آنجا گرفت. موضوع پایان نامه اش «بررسی موضوع دانش در دیدگاه فلسفی اف. اچ. جاکوبی»^{۱۰۰} بود. در ۱۹۳۱ اشتراوس به فکر گذراندن دوره فوق دکترا زیر نظر متخصص برجسته الهیات یعنی پاول تیلیچ^{۱۰۱} افتاد اما قبول نشد. در ۱۹۳۲ موفق به اخذ «بورسیه «راکفلر»^{۱۰۲} گشت. لذا جایگاه خود را در «آکادمی تحقیقات یهودی برلین» به قصد پاریس ترک نمود. تنها ۲۰ سال بعد، فقط برای یک سفر کوتاه چندروزه به آلمان برگشت.

در پاریس با ماری برنسون^{۱۰۳} که یک بیوه دارای فرزند بود و از قبل در آلمان با هم آشنا شده بودند، ازدواج نمود. او ابتدا فرزند همسرش به نام توماس و بعد هم بچه‌های خواهرش را که با شوهر خود در خاورمیانه کشته شده بودند به فرزندی پذیرفت اما خود، هرگز بچه‌دار نشد.

به دلیل روی کار آمدن نازی‌ها، ترجیح داد هرگز به وطن خود باز نگردد. اشتراوس، پس از چند فراز و نشیب، پناهنده انگلیس شد. چون نتوانست در انگلیس یک کار دائم بیابد، در ۱۹۳۷ به تشویق هارولد لاسکی^{۱۰۴} به آمریکا رفت.

پس از چند سال تدریس در دانشگاه کلمبیا و نیویورک، به عنوان استاد میهمان به کالج همیلتن رفت. در ۱۹۴۴ شهروند ایالات متحده شد و در ۱۹۴۹ به عنوان استاد علوم سیاسی دانشگاه شیکاگو منصوب گردید که در آنجا برای اولین بار در زندگی خود، حقوق قابل ملاحظه‌ای دریافت می‌کرد. در ۱۹۵۴ یک بازدید کوتاه از آلمان، توام با چند ملاقات و یک سخنرانی عمومی داشت.

در ۱۹۶۵ به دلایل درمانی، تقاضای انتقال موقت به دانشگاه هامبورگ را نمود و از دانشگاه‌های هامبورگ و باندسور دینکروز^{۱۰۵} دکترای افتخاری گرفت. در ۱۹۶۹ برای یک سال به «دانشکده کلارمونت مک کنا» (سابقاً به نام دانشکده مردان کلارمونت خوانده می‌شد)^{۱۰۶} در کالیفرنیا انتقال یافت و سپس در ۱۹۷۰ به دانشکده سنت جانز در آناپولیس^{۱۰۷} رفت و تا سال ۱۹۷۳ که به علت ذات‌الریه درگذشت همانجا بود.



فلسفه

از نظر اشتراوس، فلسفه و سیاست را باید از ریشه بررسی نمود. او «آلمان» و «اندیشمندان» را جدا از «فلاسفه» می‌داند و خود را یک عالم معرفی می‌کند. او می‌نویسد بسیار کسانی که خود را فیلسوف توصیف می‌کنند در واقع فقط عالم هستند و به جای این که جسارت داشته باشند، محتاط و در بند قواعد هستند. در عوض، اندیشمندان، جسارت بیشتری دارند و به نقاط کوری که از دید علما پنهان مانده توجه می‌کنند. اشتراوس معتقد است فقط اندیشمندان می‌توانند عمیق‌ترین مسائل را با دید باز و نگاه مستقل بنگرند اما آنها هم در اصول بنیادین با هم اختلاف نظر دارند. همین اختلاف نظرها به علما امکان می‌دهد به خود اجازه اظهار نظر درباره مسائل و استدلال درباره اختلاف نظر اندیشمندان را بدهند.

تالیفات اشتراوس

در ۱۹۵۲ اشتراوس کتاب شکنجه و هنر نویسندگی^{۱۰۸} را منتشر ساخت. محتوای آن در این باره بود که برخی فیلسوفان مطالب خود را مبهم می‌نویسند تا از شکنجه مقامات سیاسی و مذهبی در امان باشند. محتوای کتاب مبتنی بر پژوهش او درباره ابن میمون و فارابی بود. بعداً مطالبی هم درباره افلاطون (به ویژه طرز نوشتار کتاب فدروس^{۱۰۹}) به آن افزوده شد. از دیگر آثار او می‌توان به اینها اشاره کرد:

- نوشته‌های نخستین^{۱۱۰}
- انتقادات مذهبی^{۱۱۱}
- نوشته‌هایی درباره کارل اشمیت: مفهوم سیاست^{۱۱۲}
- فلسفه سیاسی هابز: مبانی و نحوه پیدایش آن^{۱۱۳}
- و بسیاری آثار دیگر

۷. هنری جرج فارمر^{۱۱۴}

او در ۱۷ ژانویه سال ۱۸۸۲ در ایرلند، شهر باراکس^{۱۱۵}، ایالت کرینکیل^{۱۱۶} از استان کینگز (که اکنون افالی^{۱۱۷} نام دارد) متولد شد و در ۳۰ دسامبر سال ۱۹۶۵ در اسکاتلند، شهر «لا»^{۱۱۸} از ایالت لانارکشایر جنوبی^{۱۱۹}، دیده از جهان فرو بست.

فارمر یک موسیقی‌شناس بریتانیایی بود که در موسیقی عربی تخصص داشت. او در نوشته‌هایش بسیار راجع به تأثیر عظیم موسیقی عربی بر سنن موسیقی اروپایی سخن می‌گفت.

فارمر در ایرلند، جایی که پدرش (که او هم هنری جورج فارمر نام داشت، و در سال ۱۹۰۰ دار فانی را وداع گفت) در هنگ فرمانروا ویلیز لینستر^{۱۲۰} در ارتش بریتانیا خدمت می‌کرد دیده به جهان گشود. او تنها کسی بود که از کشور انگلستان در کنگره موسیقی عربی قاهره در سال ۱۹۳۲ شرکت نمود. مجموعه‌ای از نوشته‌های فارمر در قسمت کلکسیون‌های مخصوص کتابخانه دانشگاه گلاسگو قرار گرفته است.

نوشته‌ها

کتاب‌ها

■ کتاب پیدایش و پیشرفت موسیقی نظامی، اثر هنری جورج فارمر (سال ۱۹۱۲). این کتاب در لندن توسط انتشارات ریوز^{۱۲۱} به چاپ رسیده است.

■ کتاب نوشته‌های عربی-لاتین فارابی در خصوص موسیقی در احصاء العلوم^{۱۲۲}. اثر هنری جرج فارمر که در سال ۱۹۶۵ در نیویورک توسط چاپ هینریچسن انتشار یافت.

■ کتاب نت‌نویسی موسیقی عربی در کتابخانه بادلین^{۱۲۳}: این کتاب، کاتالوگی توصیفی همراه با تصاویری از آلات موسیقی است که اثری از هنری جورج فارمر در سال ۱۹۲۵ در لندن، انتشارات ریوز می‌باشد.

■ کتاب تأثیر موسیقی عربی بر نظریه موسیقی، اثری از هنری جورج فارمر (سال ۱۹۲۵) که در لندن: ریوز منتشر شد.

■ کتاب آلات موسیقی روم شرقی در قرن نهم، اثر هنری جورج فارمر (سال ۱۹۲۵). این کتاب نیز در لندن: هارولد^{۱۲۴}

ریوز به چاپ رسید.

■ کتاب تاریخچه موسیقی عربی تا قرن سیزدهم، اثر هنری جورج فارمر (سال ۱۹۲۹) که در لندن توسط موسسه لوزاک^{۱۲۵} به چاپ رسید.

■ کتاب حقایق تاریخی در مورد تأثیر موسیقی عربی، اثر هنری جورج فارمر که در سال ۱۹۳۰ توسط انتشارات ایر^{۱۲۶} انتشار یافت.

■ کتاب آلات موسیقی باستانیان از منابع شرقی (عبرانی، آسوری و عربی). اثر هنری جورج فارمر که در سال ۱۹۳۱ در لندن: ریوز به چاپ رسید.

■ کتاب مطالعاتی در خصوص آلات موسیقی مشرقی. اثر هنری جورج فارمر (سال ۱۹۳۹). این اثر در گلاسگو توسط انتشارات سیویک^{۱۲۷} انتشار یافت.

■ کتاب منابع موسیقی عربی: یک کتاب‌شناسی تفسیری از نت‌نویسی عربی که با تئوری، اجراء و تاریخچه موسیقی عربی سر و کار دارد. اثر هنری جورج فارمر (سال ۱۹۴۰). این کتاب در بیرسدن^{۱۲۸}، اسکاتلند، به صورت شخصی توسط خود نویسنده انتشار یافت.

■ کتاب کنسرت‌های اسکاتلند در قرن هجدهم. اثر هنری جورج فارمر (سال ۱۹۴۵) که در جی. سی اریسکاین^{۱۲۹}

به چاپ رسید.

■ کتاب مجموعه دره کوهستانی در خصوص آلات موسیقی. اثر هنری جورج فارمر که در سال ۱۹۴۵ در گلاسگو به چاپ رسید.

■ کتاب نوازندگی سیار شب‌های عربی: تحقیقی در خصوص موسیقی و موسیقی‌دانان عرب هزار و یک شب که توسط هنری جرج فارمر در بیرسدن اسکاتلند به صورت شخصی در سال ۱۹۴۵ انتشار یافت.

■ کتاب تاریخچه موسیقی در اسکاتلند اثری از هنری جرج فارمر که توسط چاپ هینریچسن^{۱۳۰} در سال ۱۹۴۷ انتشار یافت.

■ کتاب آهنگسازی در روز گاران قدیم: داستان کنسرت‌های بندر ابردین^{۱۳۱} (اسکاتلند) سال ۱۷۴۸ تا ۱۸۰۱. اثر هنری جرج فارمر که در سال ۱۹۵۰ در نیویورک توسط چاپ پیترز-هینریچسن انتشار یافت.

■ کتاب کاوالیر زورتال^{۱۳۲} و ارکستر توپخانه سلطنتی. اثری از هنری جرج فارمر که در سال ۱۹۵۱ در لندن توسط چاپ هینریچسن در خانه موزه به چاپ رسید.

■ کتاب مطالعات مشرقی، خصوصاً موسیقی. اثر هنری جرج فارمر که در نیویورک، لندن توسط چاپ هینریچسن در سال ۱۹۵۳ انتشار یافت.

■ کتاب تاریخچه ارکستر توپخانه سلطنتی از سال ۱۷۶۲ تا ۱۹۵۳. اثر هنری جرج فارمر که در سال ۱۹۵۴ در لندن



در نهاد توپخانه سلطنتی به چاپ رسید.

- نوشته عناوین آهنگ در کتاب الاغانی الکبیر. اثر هنری جرج فارمر که در سال ۱۹۵۵ در بارون^{۱۳۳} لندن به چاپ رسید.
- کتاب خواهر و دوستان برنارد شاو^{۱۳۴}: مبحث جدیدی در خصوص جی.بی.اس. اثر هنری جرج فارمر که در سال ۱۹۵۹ در ای.جی بریل^{۱۳۵} لیدن انتشار یافت.
- کتاب دهل‌های هندل^{۱۳۶} و دیگر مطالعاتی در خصوص موسیقی نظامی. اثر هنری جرج فارمر که در سال ۱۹۶۵ در لندن توسط چاپ هینریچسن انتشار یافت.
- کتاب علوم موسیقی در مفاتیح العلوم. اثر هنری جرج فارمر که در سال ۱۹۵۹ از طریق انجمن شرق شناسی دانشگاه گلاسگو مجدداً به چاپ رسید.
- کتاب از کسترهای بریتانیا در نبرد. اثر هنری جرج فارمر که در سال ۱۹۶۵ در نیویورک، لندن توسط چاپ هینریچسن انتشار یافت.

مقاله‌ها

- تأثیر موسیقی: از منابع عربی. این مقاله در مجله رویکرد انجمن موسیقی در پنجاه و دومین نشست در صفحات ۸۹ تا ۱۲۴ به چاپ رسید که اثری از هنری جرج فارمر در سال ۱۹۲۵ می‌باشد.
- موسیقی تر کمن. از مجله ایام موسیقی نسخه ۶۹ شماره ۱۰۲۷ که در سپتامبر ۱۹۲۸ در صفحه ۸۳۳ به نام هنری جرج فارمر (سال ۱۹۲۸) به چاپ رسید.
- موسیقی در اسکاتلند قرون وسطایی. از مجله روند انجمن موسیقی که در نشست پنجاه و ششم در صفحات ۶۹ تا ۹۰ به نام هنری جرج فارمر (سال ۱۹۲۹) به چاپ رسید.
- موسیقی دانان یونانی در ترجمه عربی. از مجله ایزس^{۱۳۷} نسخه سیزدهم شماره ۲ که در فوریه ۱۹۳۰ در صفحات ۳۲۵ تا ۳۳۳ به نام هنری جرج فارمر (سال ۱۹۳۰) به چاپ رسید.
- نام‌های طبل از کستری. از مجله ایام موسیقی نسخه ۷۱ شماره ۱۰۵۰ که در آگوست ۱۹۳۰ در صفحه ۷۴۰ به نام هنری جرج فارمر (سال ۱۹۳۰) انتشار یافت.
- نمونه‌ای از بیوگرافی موسیقی. از مجله ایام موسیقی نسخه ۷۲ شماره ۱۰۶۳ که در سپتامبر ۱۹۳۱ در صفحه ۸۳۳ به نام هنری جرج فارمر (سال ۱۹۳۱) انتشار یافت.
- موسیقیدانان بریتانیایی یک قرن پیش. از مجله موسیقی و نت، نسخه ۱۲ شماره ۴ که در اکتبر ۱۹۳۱ در صفحات ۳۸۴ تا ۳۹۲ به نام هنری جرج فارمر (سال ۱۹۳۱) به چاپ رسید.
- آهنگساز سرودهای کلیسایه نام ویلیام سوچ^{۱۳۸} که فراموش شده بود. نسخه هفدهم از مجله موسیقی و نت شماره ۳ که در جولای ۱۹۳۶ در صفحات ۱۸۸ تا ۱۹۹ به نام هنری جرج فارمر (سال ۱۹۳۶) انتشار یافت.
- روزهای تولد ناشناخته بعضی از موسیقیدانان گرجستانی. از مجله موسیقی و نت نسخه ۲۰ شماره ۳. این مقاله در جولای ۱۹۳۹ در صفحات ۲۹۹ تا ۳۰۳ به نام هنری جرج فارمر (سال ۱۹۳۹) به چاپ رسید.
- نت‌های موسیقی روی چنگ ایرلندی. از مجله موسیقی و نت نسخه ۲۴ شماره ۲ که در آوریل ۱۹۴۳ در صفحات ۱۰۰ تا ۱۰۷ به نام هنری جرج فارمر (سال ۱۹۴۳) انتشار یافت.
- یک مارش تاریخی. از مجله موسیقی و نت نسخه ۲۶ شماره ۳. این مقاله در جولای ۱۹۴۵ در صفحات ۱۷۲ تا ۱۷۷ به عنوان اثری از هنری جرج فارمر (سال ۱۹۴۵) به چاپ رسید.
- ارواح: مقاله‌ای در خصوص کتاب‌شناسی‌های موسیقی عربی. از مجله ایزس نسخه ۳۸ شماره ۲ که در ژانویه ۱۹۴۶ در صفحات ۱۲۳ تا ۱۳۰ به نام هنری جرج فارمر (سال ۱۹۴۶) انتشار یافت.
- موسیقی نظامی نهضت. از مجله موسیقی و نت نسخه ۳۰ شماره ۳ که در جولای ۱۹۴۹ در صفحات ۲۴۳ تا ۲۴۹ به عنوان اثری از هنری جرج فارمر (سال ۱۹۴۹) به چاپ رسید.
- موسیقی به سمت پایین سقوط می‌کند. از مجله ایام موسیقی نسخه ۹۰ شماره ۱۲۷۹. در سپتامبر ۱۹۴۹ در صفحات ۳۰۷ تا ۳۰۹ به عنوان اثری از هنری جرج فارمر (سال ۱۹۴۹) انتشار یافت.
- هنری جرج فارمر. مرد بریتانیایی شصت سال از سنن موسیقی کشور خود را فرامی‌خواند. از مجله تریبون داخلی که در ۱۷ ژوئن ۱۹۶۱ انتشار یافت.
- دهل‌های عظیم‌الجثه. از مجله موسیقی و نت نسخه ۴۳ شماره ۲. در آوریل ۱۹۶۲ در صفحات ۱۲۹ تا ۱۳۰ به نام هنری جرج فارمر (سال ۱۹۶۲) به چاپ رسید.

33. Rapheal I Bidawid.
34. Eight dioceses.
35. 100 parishes.
36. Pope Benedict XVI.
37. St. Peter's Basilica.
38. Master's Degree in Philosophy, Pontifical Urbaniana University.
39. Doctor of Sacred Theology, Pontifical Lateran University.
40. Doctor of Canon Law, Pontifical Lateran University.
41. Charles Butterworth.
42. University of Ayn Shams in Egypt.
43. University of Bordeaux.
44. University of Nancy in France.
45. Federal City College.
46. University of the District of Columbia.
47. Georgetown University.
48. Marmara University.
49. University of Bordeaux.
50. University of Grenoble.
51. University of Paris I (Sorbonne).
52. University of Paris X (Nanterre).
53. Ecole Pratique des Hautes Etudes.
54. Smithsonian.
55. National Endowment for the Humanities.
56. Salzburg.
57. Commonality of Cultural Traditions: Judaism, Christianity, and Islam.
58. Woodrow Wilson International Center for Scholars.
59. Fulbright Senior Scholar Research and Lecturing Award.
60. Friedrich-Alexander Universität.
61. Erlangen (Germany).
62. German Academic Exchange Professorship.
63. Institut du Monde Arabe in Paris entitled "Des origines de la philosophie politique en Islam."
64. Distinguished Scholar-Teacher (1990–91).
65. Excellence in Teaching and
1. Henry Corbin, From: Wikipedia The free Encyclopedia: www.wikipedia.com.
2. Sorbonne.
3. Thomist Étienne Gilson.
4. Louis Massignon.
5. Histoire de la philosophie islamique.
6. Luther.
7. Kierkegaard.
8. Hamann.
9. Karl Barth.
10. Martin He degger.
11. Phenomenonology.
12. Being and Time.
13. It gives us some sense of the unique perspective of this truly catholic philosopher to note that his copy of the notoriously difficult and very German work was marked throughout by glosses in Arabic.
14. Stella Leenhardt.
15. Eranos Conferences in Ascona.
16. Carl Jung.
17. Mircea Eliade.
18. Gershom Scholem.
19. Adolf Portmann.
20. Louis Massignon.
21. *Avicenna and the Visionary Recital*.
22. *Creative Imagination in the Sufism of Ibn 'Arabi'*.
23. *Spiritual Body & Celestial Earth*.
24. *The Man of Light in Iranian Sufism*.
25. En Islam Iranien: Aspects spirituels et philosophiques.
26. Eyes of Flesh, Eyes of Fire: the Science of Gnosis.
27. *History of Islamic Philosophy*.
28. Ismaili Neo-Platonists.
29. crypto-Shi'ite.
30. Mar Emmanuel III Cardinal Delly.
31. Mar Emmanuel III Cardinal Delly is the Patriarch of Babylon of the Chaldeans and Primate of the Chaldean Catholic Church, an Eastern Catholic sui juris particular church of the Catholic Church.
32. Tel Keppe.

99. Hermann Cohen.
100. On the Problem of Knowledge in the Philosophical Doctrine of F. H. Jacobi.
101. Paul Tillich.
102. Rockefeller Fellowship.
103. Marie (Miriam) Bernsohn.
104. Harold Laski.
105. Bundesverdienstkreuz.
106. Claremont McKenna College.
107. St. John's College, Annapolis.
108. *Persecution and the Art of Writing*.
109. *Phaedrus*.
110. *The Early Writings*.
111. La Critique de la religion chez Hobbes: une contribution à la compréhension des Lumières.
112. *Notes on Carl Schmitt, The Concept of the Political*.
113. *The Political Philosophy of Hobbes: Its Basis and Its Genesis*.
114. Henry George Farmer.
115. Barracks.
116. Crinkill.
117. Offaly].
118. Law.
119. South Lanarkshire, Scotland.
120. Wales `s Leinster.
121. W.Reeves.
122. *Al-Farabi's Arabic-Latin Writings on Music in the Ihsa al-`ulum*.
123. Bodleian.
124. Harold.
125. Luzac & Co.
126. Ayer.
127. Civic.
128. Bearsden.
129. J.C. Erskine.
130. Hinrichsen.
131. Aberdeen.
132. *Cavaliere Zavertal*.
133. H.Baron.
134. Bernard Shaw.
135. E.J.Brill.
136. *Handel*.
137. Isis.
138. William Savage.
- Mentorship.
66. College of Behavioral and Social Sciences.
67. Ian Richard Netton, Source: Leeds University Official Website: <http://www.leeds.ac.uk/arabic/staff.htm>
68. Exeter.
69. *Sufi Ritual*.
70. *Parallel Universe*.
71. Richmond Curzon.
72. Routledge Curzon.
73. *Al-farabi And His School*.
74. Classical and Medieval Literature Criticism: al-Fārābī.
75. Taylor Francis ebookstore Website: www.ebookssubscriptions.com
76. Journal of Middle Eastern Studies.
77. Curzon Culture and Civilisation in the Middle East Series.
78. Curzon Sufi Series.
79. Rodolphe d.Erlanger, Source: *Notes from a musical life, La Musique arabe (Arab Music)*, six volumes, 1930 -- 1959, Rodolphe d'Erlanger, Paris: reprinted by La Librairie orientaliste Paul Geuthner and L'Institut du Monde arabe, 2001.
80. Boulogne-Billancour.
81. Sidi Bou Said.
82. Paul Geuthner.
83. Manoubi Snoussi.
84. Poché.
85. *Kitab Al-Musiqi Al-Kabir*.
86. Carra de Vaux.
87. Leo Strauss: Source: iPedia Encyclopedia: www.ipedia.net
88. Intellectual fathers of neoconservatism.
89. Kirchhain, Prussia, German Empire.
90. Hugo Strauss and Jennie Strauss.
91. Allan Bloom, *Political Theory*.
92. *A Giving of Accounts*.
93. Volksschule.
94. Rektoratsschule.
95. Gymnasium Philippinum.
96. University of Marburg.
97. Johannes Althusius and Carl J. Friedrich.
98. Marburg Cantor Strauss.